

Challenges of Extradition Principles from the Perspective of Imāmī Jurisprudence and Iranian Law with a Look at International Law

Hamidreza Behroozi Zad, Mastaneh Hosini

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Omran and Towseh Institute for Higher Education, Hamedan, Iran (Corresponding Author) behroozi_hamidreza@yahoo.com

2. Master's Student in Public International Law, Omran and Towseh Institute, Hamedan, Iran. mastanehosini@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article	Nowadays, the extradition of criminals is a recognized concept in the field of international criminal law. Extradition possesses principles that are accepted, more or less, in all legal systems; however, the implementation of these principles has created many challenges in the Iranian legal system and the international legal system. In this article, an attempt has been made through the library method to express these challenges and articulate solutions for resolving them. It appears that from the perspective of Iran's domestic law, the most important challenge is the opposition of extradition regulations, at first glance, to Imāmī jurisprudence (Fiqh-i Imāmīyah), which, considering the stated arguments—especially the authority (Hujjiyat) established regarding the rule of «Denying the Way» (Nafy al-Sabīl)—does not seem to have a fundamental opposition to Imāmī jurisprudence. From the perspective of international law as well, extradition principles collide with human rights in certain cases, for which solutions have been articulated to resolve this friction in the arenas of domestic law and international law. It is necessary to mention that, given the antiquity of extradition regulations, it is requisite to compile a comprehensive and hindering law that resolves jurisprudential and international concerns, and for the jurists (Fuqahā) of the Guardian Council (Shūrā-yi Negahbān) to review this enactment considering the element of time and place approved by the two Imams of the Revolution, so that Imāmī jurisprudence is not introduced as an obstacle to the realization of extradition in Iranian law.
Article history: Received 2025/04/09 Accepted 2025/08/03	
Keywords: <i>Extradition, Principles of Extradition, Imāmī Jurisprudence (Fiqh-i Imāmīyah), Human Rights, International Law.</i>	

Cite this article: Behroozi Zad, Hamidreza (2025), Hosini, Mastaneh (2025). Challenges of Extradition Principles from the Perspective of Imāmī Jurisprudence and Iranian Law with a Look at International Law, *Religion and Law*. 48 (13), 67-93.



© Hamidreza Behroozi Zad, Mastaneh Hosini

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.375.1054>

Publisher: Islamic Research Center of Parliament of I.R.IRAN



چالش‌های اصول استرداد از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به حقوق بین‌الملل

حمیدرضا بهروزی زاد، مستانه حسینی

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، مؤسسه آموزش عالی عمران و توسعه، همدان، ایران (نویسنده مسئول)

behroozi_hamidreza@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل عمومی، مؤسسه عمران و توسعه، همدان، ایران. mastanehosini@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۵/۱۲

استرداد مجرمان، امروزه مفهومی شناخته شده در حوزه حقوق جزای بین‌الملل است. استرداد دارای اصولی است که کم‌وبیش در همه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. اما اجرای این اصول چالش‌های بسیاری در نظام حقوقی ایران و نظام حقوقی بین‌الملل ایجاد کرده است که در این مقاله به روش کتابخانه‌ای کوشش شده است این چالش‌ها بیان شده و راهکارهای حل این چالش‌ها بیان شود. به نظر می‌رسد از نظر حقوق داخلی ایران مهم‌ترین چالش مخالفت مقررات استرداد در بدو امر با فقه امامیه است که به نظر می‌رسد با توجه به ادله بیان شده مخصوصاً حجیتی که در خصوص قاعده نفی سبیل اثبات شد مخالفت اساسی با فقه امامیه ندارد. از حیث حقوق بین‌الملل نیز اصول استرداد در مواردی با حقوق بشر اصطکاک پیدا می‌نماید که راهکارهایی برای رفع این اصطکاک در عرصه حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل بیان شده است. لازم به ذکر است با توجه به قدیمی بودن مقررات استرداد، لازم است قانونی جامع‌و مانع با رفع نگرانی‌های فقهی و بین‌المللی تدوین شود و فقهای شورای نگهبان با توجه به عنصر زمان و مکان مورد تأیید امامین انقلاب این مصوبه را بررسی نمایند تا فقه امامیه مانعی بر سر راه تحقق استرداد در حقوق ایران معرفی نشود. واژگان کلیدی: استرداد، اصول استرداد، فقه امامیه، حقوق بشر، حقوق بین‌الملل.

استناد: بهروزی زاد، حمیدرضا (۱۴۰۴). حسینی، مستانه (۱۴۰۴). چالش‌های اصول استرداد از منظر فقه امامیه و حقوق ایران با نگاهی به حقوق بین‌الملل. دین و قانون، ۴۸ (۱۳)، ۶۷-۹۳.



© حمیدرضا بهروزی زاد، مستانه حسینی

ناشر: مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ایران.

<https://doi.org/10.22034/qjrl.2025.375.1054>

مقدمه

با توجه به اینکه امروزه جنبه بین‌المللی ارتکاب جرایم افزایش پیدا کرده است و بسیاری از جرایم جنبه فراملی پیدا کرده است و در کنار دولت‌ها، گروه‌های تبهکاری در سطح جهانی فعالیت می‌نمایند مسئله استرداد مجرمان اهمیت بسیاری پیدا کرده است و این اهمیت باعث بروز سؤالات بسیاری شده است که در سطح داخلی و بین‌المللی چالش‌های بسیاری را ایجاد کرده است. مقاله حاضر تلاشی است که برخی از چالش‌های استرداد را با تکیه بر اصول مهم استرداد در منظر داخلی و بین‌المللی ارائه نماید. اما سؤال اصلی تحقیق این است که اصول استرداد چه اصولی هستند و چالش‌هایی که برای آنها ایجاد می‌شود چیستند؟ برای این سؤال اصلی سؤالات فرعی که می‌تواند طرح شوند این هستند؟ چالش‌های فقهی و راه‌حل آن بر اساس اصول حاکم بر استرداد چیست؟ چالش‌های حقوق ایران بین‌المللی اصول حاکم بر استرداد و حل آن کدام است؟ باوجود اینکه مقالات نسبتاً زیادی در حوزه استرداد نگارش شده است؛ اما سعی ما بر این بوده است که چالش‌های موجود بر سر راه استرداد را شناسایی کنیم و به دنبال راه‌حل آن باشیم. برای نیل به این مقصود ابتدا کلیاتی در خصوص مفهوم استرداد بیان خواهد شد. سپس اصول حاکم بر استرداد و چالش‌های فقهی و حقوق ایران و بین‌المللی هر کدام از این اصول بیان خواهند شد و سپس به نتیجه‌گیری از مطالب مطروحه خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم و اهمیت استرداد

در ابتدا به مفهوم و اهمیت استرداد خواهیم پرداخت.

۱-۱. مفهوم استرداد

استرداد مجرمان یک فرایند همکاری حقوقی بین دولتی است که به وسیله آن شخصی از دولتی به دولت دیگر به موجب یک منبع استرداد مانند معاهده، عمل متقابل، اصل نزاکت یا بر اساس قانون‌گذاری ملی مسترد می‌شود. در صورت وجود معاهده استرداد میان این دو دولت، کشور درخواست‌شونده موظف است بر اساس معاهده فی مابین، شخص مجرم را به کشور درخواست‌کننده مسترد نماید؛ به این معنا که استرداد مجرمان مسئله‌ای نیست که حق طبیعی دولت‌ها باشد، بلکه صرفاً بر مبنای معاهدات دو یا چند جانبه استرداد یا بر اساس شرط عمل متقابل دولت‌ها انجام پذیر است. (احمدی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۳)

در اسناد بین‌المللی، در تعریف استرداد آمده است: استرداد مجرمین فرایند تحویل فردی است که در یک کشور مرتکب جرم شده و پس از فرار به کشور دیگر، به کشور متضرر برای محاکمه یا اجرای مجازات بازگردانده می‌شود. این فرایند به‌عنوان یک ابزار اساسی در همکاری‌های کیفری بین‌المللی شناخته می‌شود که بر اساس اصول حاکمیت ملی و حقوق بشر عمل می‌کند. در حقوق بین‌الملل، استرداد به‌ویژه در قالب معاهدات دوجانبه و

چندجانبه و اصولی چون اصل دوگانه بودن جرم (Double Criminality)، عدم استرداد جرایم سیاسی، و حقوق بشر مطرح می‌شود. حقوق بشر شامل عدم استرداد به کشورهای است که مجازات‌های غیرانسانی یا شکنجه اعمال می‌کنند. (United Nations, 2020). شاید آخرین تعریف قانونی از لحاظ زمان تصویب، قانون معاضدت حقوقی متقابل و پیتنام مصوب ۲۰۰۷ است. بر اساس بند ۱ ماده ۳۲ قانون معاضدت حقوقی متقابل مصوب ۲۰۰۷، استرداد عبارت است از: «انتقال شخصی که متهم به ارتکاب جرم شده یا به جرم کیفری محکوم شده، از کشوری به کشور دیگر که فرد موردنظر در قلمرو آن کشور حضور دارد، به طوری که مراجع قضایی کشور دیگر برای تعقیب کیفری یا اجرای حکم علیه آن شخص صالح است.»

در حقوق ایران روش قضایی بر اساس ماده ۱۳ قانون استرداد حاکم است. براین اساس مجرم تقاضای استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد کرد. اگر وزارت دادگستری تقاضای استرداد را مطابق با مقررات قانون تشخیص داد، پرونده را به دادسرای شهرستان محل سکونت فرد مورد تقاضا ارسال خواهد کرد و اگر شخص متقاضی محل سکونت معلومی را نداشته باشد، پرونده به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد شد، که برای جلب و بازداشت او اقدام نمایند.

دادستان عمومی هم ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت، تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا به عمل بیاورد و پس از اقدامات لازم پرونده امر را به دادگاه صالحه ارسال می‌نماید، در موارد فوری، دادستان عمومی بنا به درخواست مستقیم مراجع قضایی کشور تقاضا کننده، شخص مورد تقاضا را بازداشت نماید؛ مشروط بر اینکه در تقاضانامه قید شده باشد که اوراق و مدارک استرداد ارسال نماید.

ایرادی که این روش دارد این است که اگر مقامات دادسرا نماینده مردم هستند، با اقداماتی که انجام می‌دهند به نمایندگی از مردم و به عنوان شاکی اقدام می‌نمایند. حال چگونه شاکی می‌تواند برای متهم خود قرار تأمین و یا قرار بازداشت صادر نماید؟ براین اساس است که در عمل تقاضای استرداد مجرمینی که پرونده آنها در مرحله تحقیقات مقدماتی است تقاضا رد می‌شود. برای رفع این نقیصه در معاهدات به هر سه مرحله تعقیب، محاکمه و اجرای حکم اشاره شده است. برای مثال بند ۱ ماده ۳۴ موافقت‌نامه همکاری حقوقی در امور مدنی و کیفری بین ایران و ترکیه مصوب ۱۳۸۹/۹/۳۰ تصریح به استرداد مجرمین در مراحل دادسرا، دادگاه و اجرای احکام دارد.

۱-۲. ضرورت استرداد

با توجه به عصر جهانی شدن که باعث افزایش بی‌سابقه حمل و نقل در سطح جهانی شده است و افراد زیادی به صورت قانونی و غیر قانونی از مرزهای سرزمینی دولت‌ها عبور

می‌کنند اصل استرداد مجرمان اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ سند این اهمیت این است که در سال‌های اخیر از سوی دولت‌ها، موافقت‌نامه‌های بسیاری برای انعقاد قرارداد استرداد مجرمان انجام شده است. اگر به شروط مندرج در این موافقت‌نامه‌ها بنگریم غالباً مفاد این موافقت‌نامه‌ها تکرار شده است به نحوی که امروزه بالای چهل موافقت‌نامه استرداد مجرمان از سوی دولت ایران با سایر کشورها منعقد شده است.

همچنین در دنیای امروز، جرایم فراملی مانند تروریسم و جرایم سازمان‌یافته به سرعت در حال گسترش‌اند. این تهدیدات جهانی، اهمیت استرداد مجرمین را در همکاری‌های بین‌المللی آشکار کرده است. برای مقابله با این جرایم، کشورها به‌ویژه از طریق معاهدات بین‌المللی، به استرداد مجرمان پرداخته‌اند تا عدالت کیفری در سطح جهانی تحقق یابد. (Bassiouni, 2021, p534)

در واقع استرداد مجرمین به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم همکاری‌های بین‌المللی در امور کیفری، نقش اساسی در تحقق عدالت کیفری فراملی ایفا می‌کند. با گسترش جرایم سازمان‌یافته فراملی، تروریسم، جرایم سایبری و فساد مالی، موضوع استرداد به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حقوق کیفری و حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. به‌ویژه در جهان امروز که مرزهای فیزیکی در برابر جرایم رنگ باخته‌اند، هیچ نظام کیفری‌ای به‌تنهایی قادر به مقابله با جنایت‌کاران فرامرزی نیست. (Bassiouni, 2021, p535)

در سطح جهانی، سازمان‌هایی مانند اینترپل، دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) و سازمان ملل، نقش ویژه‌ای در هماهنگی و تسهیل استرداد مجرمین ایفا می‌کنند. همچنین قوانین جدیدی نظیر کنوانسیون استرداد مجرمین اتحادیه اروپا (۲۰۲۱) و تغییرات در قوانین ملی کشورها در راستای تطابق با استانداردهای بین‌المللی، نشان‌دهنده اهمیت این فرایند در ایجاد عدالت کیفری جهانی است. (Gil-Bazo, 2021)

از لحاظ فقه امامیه و حقوق ایران ضرورت استرداد بر اساس قاعده تسلیط قابل بیان است. برخی از فقها قاعده تسلیط و روایت «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» را یک قاعده عقلایی می‌دانند. (خمینی، ۱۴۲۱، ص ۴۱ و ۴۲؛ مکارم، ۱۴۲۵، ص ۲۳۸؛ مومن، ۱۴۱۵، ص ۱۶۳ و ۱۶۵؛ منتظری، ۱۴۰۹، ص ۴۹۵ و ۴۹۶؛ خمینی، ۱۴۱۸، ص ۵۰؛ مومن ۱۳۸۲، ص ۱۲؛ خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۳، ص ۲۱۷؛ جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۱، ص ۲۴۰) عده‌ای نیز روایت، «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» را مستند به بنای عقلایی می‌دانند که شارع مقدس آن را امضا کرده است. (قندهاری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۱۷ و ج ۲، ص ۱۳ و ۲۵۴؛ مکارم، ۱۴۱۱، ص ۳۶ و ۳۷؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۳، ص ۱۸۱)

از لحاظ حقوق ایران نیز خواه قاعده سلطه را نسبت به خود فرد قابل اعمال بدانیم یا

خیر در هر صورت بر اساس قاعده لاضرر این امر نباید مانع ضرر باشد. (اصغری و کاظمی، ۱۳۸۸، ص ۳۸) براین اساس با توجه به اینکه بنای قاعده تسلیط یک قاعده عقلایی و یا مبتنی بر بنای عقلا است؛ اصل بر این است که مجرمین اختیار و سلطه بر قبول استرداد را دارند مگر اینکه بر اساس قاعده لاضرر، اعمال قاعده تسلیط، ممکن نباشد. برای مثال: مجرمی که سابقه جرایم خطرناک را دارد نمی تواند به بهانه تسلیط از استرداد، امتناع نماید.

۲. اصول استرداد

هر استردادی شرایط ماهوی و ایجابی را می طلبد که این اصول عبارتند از: مجرمیت مضاعف، قابل استرداد بودن جرم، و اصل اختصاص.

۲-۱. مجرمیت مضاعف

در هر دو نظام حقوق ایران و حقوق بین الملل، اصل دوگانه بودن جرم (که به معنای این است که عملی که در کشور درخواست دهنده مجرمانه است، باید در کشور درخواست شونده نیز مجرمانه باشد) به طور صریح مطرح می شود. این اصل، یکی از ارکان مهم فرایند استرداد مجرمین است و در هر دو نظام حقوقی به طور قابل ملاحظه ای به آن پرداخته می شود. در مورد اتهام مضاعف می توان گفت که اگر عملی در نزد هر دو کشور متقاضی و پذیرنده جرم باشد اصل اتهام مضاعف معنا پیدا می کند. این معنای جرم مضاعف هم در قانون راجع به استرداد مجرمین اشاره شده است و در بند دوم از ماده ششم کنوانسیون ملل متحد درباره مبارزه با مواد مخدر و روان گردان مصوب ۱۹۸۸ میلادی در وین و بند اول از ماده دوم کنوانسیون مربوط به استرداد مجرمین بین دولت های عضو اتحادیه اروپا مصوب ۱۹۹۶ بروکسل و بند اول از ماده دوم الگوی سازمان ملل برای استرداد مصوب ۱۹۹۰ نیز بیان شده است. (میرزایی و فروغی، ۱۳۹۴، ص ۷۱)

۲-۲. قابل استرداد بودن جرم

جرم ارتكابی در قابلیت استرداد بسیار مؤثر است. در حقوق ایران، بر اساس قانون استرداد مجرمین (۱۳۳۹)، استرداد مجرمان سیاسی و نظامی در موارد خاصی ممکن نیست. این در حالی است که در حقوق بین الملل، بسیاری از کنوانسیون ها مانند کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین (۱۹۵۷) و کنوانسیون سازمان ملل، برای برخی از جرایم سیاسی و نظامی، استثنائاتی در نظر می گیرند که این موضوع در حقوق ایران به صورت سخت گیرانه تری مطرح است.

در کنفرانس بین المللی وحدت حقوق جزا، جرم سیاسی بزهی تعریف شده است که در مخالفت با تشکیلات و وظائف دولت یا ارگان های دولتی و یا در اعتراض و علیه حقوقی که اشخاص در انجام این وظایف به دست آورده اند، انجام شود. (افراسیابی، ۱۳۷۶، ص ۳۴۲) تعریف دیگر متعلق به «موسیو دونالدی» است که بیان داشته است: اگر شخصی در روند

تعلق خاطر و تمایل به امور سیاسی و وسایل مملکتی، مرتکب بزه می‌گردد، جرم او سیاسی است. (ملک اسماعیلی، ۱۳۵۵، ص ۲۷۱)

لازم به ذکر است استثنای اصل عدم امکان استرداد مجرمین سیاسی، در معاهده سال ۱۸۵۷ بلژیک و فرانسه پیش‌بینی شد. (امیرعلایی، ۱۳۱۵، ص ۴۲)

هم‌چنین بر طبق قوانین ایران، سوءقصد به جان رئیس یک دولت یا خانواده او، مسمومیت یا جنایت جسمی به افراد، جعل اسکناس و اسناد بانکی و غیره جرایم سیاسی محسوب نمی‌شود و مرتکبان این نوع جرایم قابل استرداد به کشور هستند.

۲-۳. اصل اختصاص

اصل اختصاص به این معناست که مجرمین تنها باید برای جرمی که به خاطر آن استرداد شده‌اند، محاکمه شوند و نباید به جرایم دیگری که در کشور درخواست‌کننده ارتکاب یافته‌اند، محاکمه شوند. این اصل به‌ویژه در مورد مجرمان سیاسی و جرایم غیرسیاسی، حائز اهمیت است.

به عبارت دیگر، در مفهوم اصل اختصاص یا قاعده اختصاص باید گفت که دولت درخواست‌کننده فقط می‌تواند شخص مسترد شده را برای جرم یا جرایمی که درخواست استرداد آن از سوی دولت درخواست شونده پذیرفته شده است، محاکمه یا مجازات نماید و برای عنوان یا عناوین اتهامی دیگر جز مورد یا موارد مورد توافق این اختیار را ندارد. به‌موجب این اصل، اگر مجرمی در مقاطع زمانی مختلف اقدام به ارتکاب جرایم متعددی نماید و درخواست استرداد صرفاً به دلیل یکی از آن جرایم ارتکابی صورت پذیرد، دولت درخواست‌کننده پس از تحویل گرفتن متهم، نباید او را به علت سایر جرایم ارتکاب یافته قبل از تقاضای استرداد، محاکمه و مجازات نماید. (خالقی، ۱۳۸۴، ص ۱۸)

اصل اختصاص، ریشه در حقوق آمریکا دارد و از حدود بیش از یک قرن پیش در دعوای «ایالات متحده علیه راش» در آمریکا به رسمیت شناخته شده و بعدها به‌عنوان اصل در معاهدات استرداد مجرمان با سایر کشورها بیان شد (Bassiouni, 2021, p. 542) ماده ۱۴ معاهده الگوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۵ میلادی نیز از شرایط استرداد مجرمان، اصل اختصاص را به‌عنوان یکی از اصول مهم استرداد مجرمان معرفی کرد. بررسی معاهدات و اسناد مجرمان در نظام حقوقی ایران مانند ماده ۴ معاهده استرداد مجرمان میان ایران و پاکستان در سال ۱۳۳۹ و ماده ۱۵ معاهده استرداد مجرمان بین ایران و اندونزی در سال ۱۳۹۶ نشان می‌دهد که این اصل، چنان در نظام حقوقی ایران مبنایی است که حتی تغییر اساسی حاکمیت در ایران نیز باعث کنارگذاشتن این اصل مبنایی نشده است.

با توجه به اینکه مبنای اصل اختصاص، حقوق آمریکا است، در حقوق این کشور مطابق معاهده الگوی سازمان ملل متحد، دولت درخواست‌کننده می‌تواند فرد تسلیم شده را برای

ارتکاب همه جرایم دارای مجازات کمتر از جرم مورد استرداد مورد تعقیب قرار دهد؛ مبنای این تعقیب باید بر اساس واقعیت‌هایی باشد که بر اساس آن، او مسترد شده است. البته باید توجه داشت که جرم کمتر باید در هر دو دولت جرم‌انگاری شده باشد. (Bassiouni, 2021, p42)

۳. چالش‌های داخلی و بین‌المللی اصول حاکم بر استرداد

در استرداد چالش‌های داخلی و خارجی بر اصول حاکم بر استرداد وجود دارد که در ذیل، بررسی می‌شود.

۳-۱. خلاف شرع بودن مقررات استرداد و اصول حاکم بر آن و راه حل آن

عمدتاً شورای نگهبان معاهدات مربوط به استرداد را خلاف شرع اعلام می‌نماید. عمده استدلال‌های خلاف شرع بودن مقررات به قرار ذیل است:

۱- در نظام قضایی اسلام، قضاوت و اجرای حکم از وظایف حاکم اسلامی است؛ قضات ماذون و شرعی فقط حق قضاوت دارند در حالی که قضات دادگاه‌های کشور غیرمسلمان منصوب حاکم اسلامی نیستند و فاقد شرایط شرعی لازم برای قضاوت، از جمله عدالت، اسلام و... هستند. بنابراین نباید مجرم خارجی، مخصوصاً اگر شیعه باشد را تحویل قضات غیرمسلمان داد. (فاتحی زاده، ۱۳۹۴، ص ۴ و ۵)

دراین خصوص شورای محترم نگهبان نظر واحدی در خصوص همه معاهدات استرداد دارد برای مثال این شورا در خصوص لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی و جمهوری خلق چین مقرر کرد: «همان‌گونه که در موافقت‌نامه‌های مشابه اظهارنظر شده است این لایحه ازاین جهت که اطلاق برخی از مواد آن از جمله مواد ۱ و ۲ و نیز بندهای ۱ و ۳ ماده ۴، اعمال مقررات غیرمنطبق با موازین شرعی دولت طرف متعاقد را لازم‌الاجرا دانسته و نیز مواد متعددی مستلزم تأیید صحت قوانین و صحت آیین دادرسی قوه قضاییه کشور چین و نیز ارجاع کارهای قضائی به دادگاه‌های کشور طرف متعاقد است که خود موجب اثر دادن بر احکامی است که در آن دادگاه‌ها و لو برخلاف ضوابط اسلامی صادر می‌گردد، خلاف موازین شرع شناخته شد. (نظر شورای نگهبان ۱۳۹۲/۸/۲۰. همچنین نظر شورای نگهبان در خصوص معاهده استرداد با برزیل)

همچنین اگر فرد مجرم، جرمی با حدود الهی مرتکب شده باشد تحویل او به کشور غیرمسلمان مانع اجرای حکم الهی یا تأخیر در اجرای حدود الهی است.

استدلال دیگری که شورای نگهبان در سال‌های اخیر ابراز داشته است که: اطلاق احترام به حقوق بشر (به معنای عرفی آن) مذکور در مقدمه معاهده، خلاف موازین شرع شناخته شد. «(نظر شورای نگهبان در ۱۴۰۰/۳/۲۶ در خصوص لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال برزیل)

۲- راه‌های ثبوت جرم در کشورهای اسلامی با کشورهای غیراسلامی متفاوت است. همچنین بر اساس موازین شرعی اجرای مجازات نیز شرایط خاصی می‌طلبد که کشور غیرمسلمان فاقد آن شرایط است. این دلایل شمه‌ای از دلایل مجامع مشورتی فقهی شورای نگهبان برای خلاف شرع بودن مقررات استرداد و اصول آن است.

۳- با توجه به بحث اعتبار یا عدم اعتبار قصد در اعانه در مباحث اصولی (شیخ انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۶۸ تا ۷۱) اگر معتقد به قول کسانی که قائل به تعمیم قاعده فوق هستند، خواه مساعدت دهنده قصد وقوع آن حرام را داشته باشد یا نداشته باشد و خواه حرام واقع شود یا نه، استرداد مسلمان به کفار مقدمه محاکمه ظالمانه و اجرای مجازات می‌شود؛ بنابراین، بی شک اعانت بر اثم صادق است.

حتی اگر فرض را بر این بگیریم، جرمی که فرد مسلمان انجام داده از نظر مقررات فقهی جرم است و صرفاً برای اجرای مجازات و در صورت متهم بودن بر اساس ادله مستند، این فرد را برای محاکمه و اجرای مجازات به کشور کفر تحویل دهیم، ارجاع امور قضایی به دادگاه‌های کشور متعاقد موجب اثر دادن بر احکامی است که لااقل آیین دادرسی صدور حکم برخلاف ضوابط اسلامی صادر شده است.

در واقع مبنای این نظر بر این است که کفار هم مکلف به رعایت فروع دین هستند. (بنا بر اختلاف مبانی در خصوص رعایت فروع دین توسط کفار ذمی) حال چون خود قضاوت و اجرای حکم توسط کفار گناه است، استرداد مسلمان مجرم برای رسیدگی قضایی یا اجرای حکم توسط کفار هم اعانت بر اثم است.

برخی از حقوق‌دانان مسلمان (عوده، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۹۹) با توجه به آیه ۱۰ سوره ممتحنه ﴿یا ایها الذین امنوا اذا جاءکم المومنات مهاجرات . . . فلا ترجعوهن الی الکفار﴾ قائل به عدم جواز استرداد زنان مسلمان به کفار هستند. جواب این اشکال در مورد قاعده نفی سبیل خواهد آمد.

با توجه به ادله ارائه شده، با توجه به اینکه دلیلی برای منع استرداد وجود ندارد، بر اساس اصل عملیه برائت حکم به جواز استرداد به کشور مسلمان است.

اما در مورد کشور غیرمسلمان، قاعده نفی سبیل چالش‌ساز خواهد بود. بر اساس قاعده نفی سبیل، استرداد مسلمان به کشور غیرمسلمان باعث سلطه کشور غیرمسلمان است و چنین سلطه‌ای در اسلام منتفی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۷۰۶) در واقع این قاعده، هرگونه سبیلی را که تکویناً و تشریعاً باعث سلطه کفار بر مسلمانان شود، در برمی گیرد. (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۷۲۱)

در مورد دلالت آیه مباحث بسیاری در میان فقیهان شکل گرفته است که در جای خود باید بررسی شوند. (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۲ تا ۳۵۹) بر اساس آیه نفی سبیل، حکمی که

باعث ثبوت سبیل و علو کافر علیه اسلام و مسلمانان شود جعل نشده است. رابطه این قاعده با ادله اولیه نسبت حکم حاکم و حکم محکوم است، بنابراین هر حکمی که با اطلاق یا عموم دلیل خود باعث تحقق سلطه کافر بر مسلمان شود از سوی خداوند متعال جعل نشده است. (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۳ و ۲۴۴)

به نظر می‌رسد این آیه نمی‌تواند مانعی فقهی بر سر راه استرداد باشد. زیرا آیه در خصوص «نفی حجت» است و روایتی هم که در ذیل این آیه وارد شده است فقط بر نفی حجت از کافران نسبت به مؤمنان دلالت دارد. شاید ادعا شود که مورد مخصص نیست و اطلاق کلمه «سبیل» در آیه، شامل حجت و غیر حجت می‌شود و روایت فقط منحصر به حجت نیست، بلکه می‌تواند حجت یکی از مصادیق سبیل باشد. این ادعا صحیح نیست؛ زیرا فقیهانی که مفاد قاعده نفی سبیل را بحث کردند مهم‌ترین مستند قاعده نفی سبیل را اجماع ذکر کردند. مرحوم مراغی، ادعای اجماع منقول در مورد قاعده نفی سبیل دارند. (مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۲) فاضل لنکرانی هم در این خصوص می‌نویسد: «الاول الاجماع علی انه لم يجعل فی الشریعه حکم لوجود السبیل للکافر علی المسلم و ثبوت السلطه له علیه، و لم يظهر من احد انکار هذا الامر، كما يظهر بالتتابع فی موارد هذه القاعده كمسألة تزویج المومنه من الکافر و بیع العبد المسلم من الکافر، و غیرهما من الموارد، و بالجمله الظاهر تحقق الاجماع، و قد بلغ نقل الاجماع حد الاستفاضه بل التواتر.» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۳۳) حتی اگر این اجماع را، اجماع مدرکی ندانیم و دارای حجیت بدانیم با توجه به اینکه اجماع دلیل لبی است باید به قدر متیقن آن که حجیت کافران بر مسلمانان می‌شود استناد کرد. مثال‌هایی هم که زده شده مانند تزویج مومنه به کافر و بیع عبد مسلمان به کافر همه از مواردی هستند که در قلمرو حجیت قرار می‌گیرند در حالی که قرارداد استرداد معاهده‌ای دوجانبه یا چندجانبه ای است که حجیت کسی را در بر ندارد. بنابراین آیه و قاعده نفی سبیل مشمول استرداد نمی‌شود و تخصصاً از موضوع بحث خارج است.

ممکن است در مورد قصاص مسلمان، ایراد شود که اختیار قصاص مسلمان و اعمال «اقتدار سلطه‌آمیز» به دست کافر می‌افتد تحت‌بودن و سیطره ولی دم بر جانی، کاملاً واضح است؛ به همین دلیل قصاص مسلمان توسط ولی دم کافر، مشمول قاعده «نفی سبیل» است؛ (محمّدی کرجی، ۱۳۹۵، ص ۸۰) این ایراد وارد نیست؛ زیرا غالب کشورهای غیرمسلمان امروزه مجازات قصاص و اعدام ندارند؛ بر فرض بسیار ضعیف که مجازات اعدام را داشته باشند می‌توان شرط معامله متقابل کرد. در این صورت دیگر بحث حجت کافر بر مسلمان سالبه به انتفاء موضوع می‌شود. در واقع آنچه معیار سلطه در فقه می‌تواند مورد بحث قرار گیرد یا می‌تواند اطاعت و فرمان‌برداری تام مملوک و اینکه نمی‌تواند مالک چیزی بشود «عبدا مملوکا لایقدر علی شیء» (نساء: ۷۵) باشد که با توجه به اینکه بحث برده‌داری منتفی

است نمی‌تواند ملاک قرار بگیرد. ملاک دیگر، ملاک عرفی است؛ یعنی باید عرف «اقتدار سلطه‌آمیز» کافر بر مسلمان را بپذیرد که عمدتاً با توجه به اینکه امروزه حاکمیت جمهوری اسلامی، حاکمیتی مقتدر در عرصه جهانی است این ملاک قابل‌تصور نیست؛ بنابراین استرداد مسلمان مجرم به کفار حتی در صورتی که با علم به معاهده استرداد، دست به ارتکاب جرم زده و به کشور اسلامی فرار نماید، مشمول قاعده «نفی سبیل» نیست.

موید این استدلال، این است که از نظر فقهی می‌توان گفت که مقررات کشورهای دیگر بر اساس اصول و موازین خود صحیح است. دلیل این امر هم روایتی از امام صادق علیه السلام است که حضرت با رد استدلال فردی که چون ازدواج با محارم در میان مجوس ممکن بود آنها را حرام‌زاده می‌دانست؛ فرمودند: در آداب و رسوم ایرانیان چنین امری حرام‌زادگی نیست. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۷۴) حتی اگر این روایت نیز وجود نداشت، ضروریات و شرایط گوناگون اجتماع برای فقیه، ضرورت استرداد را اثبات می‌کرد. حضرت امام در این خصوص می‌فرمایند: «روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مهبای عکس‌العمل مناسب باشند. چه‌بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سال‌های آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۹۲) در واقع باید توجه کرد حکم غیراسلامی بر مسلمان توسط حکومت غیراسلامی به‌مراتب غیرشرعی‌تر از زمانی است که حکم غیراسلامی توسط حکومت اسلامی اجرا شود. همچنین اگر حکومت اسلامی به‌طورکلی از انعقاد چنین قراردادهایی منع شود باعث انسداد تداوم و حیات حکومت اسلامی می‌شود و این موضوع، مغایر قاعده حفظ نظام است که اوجب واجبات شمرده می‌شود. بر همین اساس است که امام خمینی رحمته الله علیه به شورای نگهبان توصیه می‌نماید: «و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آینده که با کمال دقت و قدرت، وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت‌تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند. (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۴۲۱)

بر همین اساس است که برخی از فقهای شورای نگهبان معاهدات استرداد مجرمین را خلاف شرع نمی‌دانند. مرحوم آیت‌الله یزدی در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه موافقت‌نامه انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان و لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری کره و اصل

طرفینی و متقابل بودن موافقت‌نامه‌ها می‌فرمایند: «این موافقت‌نامه می‌گوید حکم محکومیت مجرم را به خود کشور طرف مقابل می‌دهیم، یا می‌گوییم طبق قوانین خودت بر مجرم حکم بکن؛ در مقابل، آن کشور هم باید همین کار را بکند دیگر؛ یعنی اگر او هم محکوم را به ما داد، ما می‌توانیم محکومیتش را اجرا کنیم یا مجازات محکوم را مطابق نظر خودمان عمل کنیم. دو طرف این موضوع، متقابل است. این همان کاری است که اجرای یک طرف آن اشکال دارد، اما اجرای حکم یک طرف دیگر اشکال ندارد. این ایراد هم مثل همان ایراد معاهدات مشابه می‌شود دیگر؛ ایرادی غیر از این نمی‌شود.» در حقیقت استدلال ایشان در اینجا آن است که ما نمی‌توانیم در یک موافقت‌نامه دوجانبه یا چندجانبه بگوییم که اجرای این موافقت‌نامه در مورد یک طرف اشکال دارد؛ چون اساس یک موافقت‌نامه بر تراضی و تعهد متقابل بنا گذارده می‌شود. همچنین ایشان در جلسه‌ی مورخ ۲۴/۳/۱۳۹۶ شورای نگهبان در خصوص همین دو موافقت‌نامه اعلام می‌کنند: «موافقت‌نامه‌های انتقال محکومین یک بحث مبنایی است که همیشه هم در آن اختلاف بوده است. من قطعاً این دو مصوبه را خلاف شرع نمی‌بینم، ولی معمولاً آقایان فقهای شورا آن را خلاف شرع می‌بینند؛ چون من یک بار یادم هست که از شخص مقام معظم رهبری در این مورد سؤال کردم و ایشان فرمودند وقتی دو حکومت با هم روابط سیاسی دارند، نباید آن دو حکومت را به حساب دو شخص بگذارید و بگویید که دو شخص مقابل هم هستند. در این موافقت‌نامه‌ها دو شخصیت حقوقی دارند با هم معامله می‌کنند. بنابراین اینکه بگویید اطلاق این موافقت‌نامه‌ها شامل این می‌شود که مثلاً حکم قضایی آن طرف درست است یا مثلاً آن طرف قرار است حکم قضایی ما را اجرا بکند یا نکند، درست نیست و نمی‌شود این چیزها را ملاکی برای گرفتن ایراد به چنین معاهداتی گرفت. البته این موافقت‌نامه‌ها باید به تصویب مجلس برسد؛ یعنی رعایت اصول (۷۷) و (۱۳۹) (قانون اساسی لازم است. مجلس هم در مقدمه‌ی مصوبه‌اش گفته است که آن اصول باید رعایت بشود. بنابراین من این دو موافقت‌نامه را خلاف شرع نمی‌دانم. من معمولاً این‌طور موافقت‌نامه‌ها را مخالف شرع نمی‌بینم. . . .» اشاره‌ی صریح آیت‌الله یزدی به این اختلاف مبنایی بین دیدگاه‌های اعضا در بخش دیگری از جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۶/۳/۳۱، به این صورت بیان می‌شود که: «این همان اختلاف مبنایی [تنفیذ مقررات و احکام محاکم قضایی دیگر کشورها] است که من آن را خلاف شرع نمی‌دانم. (سایت شورای نگهبان، مجموع مذاکرات شورای نگهبان)

از طرف دیگر بسیاری از احکام حقوقی و قضایی دولت‌های خارجی بر اساس اینکه ریشه در عقلانیت بشری دارد، پس از تصویب در مجلس شورای اسلامی می‌تواند به‌عنوان قوانین بازدارنده یا تعزیرات حکومتی تلقی شود و شورای نگهبان می‌تواند بدون توجه به خارجی بودن معاهده، این معاهدات را همانند مصوبات مجلس شورای اسلامی نسبت به امور

داخلی کشور در نظر بگیرد و بررسی نماید. این نظر توسط برخی از اعضای شورای نگهبان در خصوص قانون معاهده بین جمهوری اسلامی ایران و پادشاهی تایلند در مورد انتقال محکومان به حبس و همکاری در زمینه اجرای احکام کیفری مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۲ دیده می‌شود. (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۳، ص ۵۰۴)

همچنین احتمال مغایرت با شرع نمی‌تواند به نحوی باشد که باعث تعطیلی احکام اسلامی یا مسلط‌شدن قوانین غیراسلامی بر مسلمانان شود تا به دنبال مصلحت‌سنجی بر اساس صلاحیت‌های مجمع یا احکام حکومتی ولی فقیه باشیم.

از طرف دیگر ماهیت معاهدات همکاری در امور کیفری (استرداد، انتقال محکومان و معاضدت) شکلی و عمدتاً ناظر بر وظایف معین دادرسی از جمله تحقیقات مقدماتی، نیابت، ابلاغ، اجرای حکم و... است. در علم حقوق هم اصل بر این است که قوانین شکلی جزایی به نفع افراد و متهمان است و بر همین اساس است که برخلاف قوانین ماهیتی، عطف به ماسبق شدن آنها جایز است. از این رو مفاد معاهدات مذکور ماهیتی و ناظر بر محاکمه و دادرسی افراد نیست که شبهه تسلط و صدور حکم خلاف موازین شرع را بر آنها تقویت نماید.

در واقع می‌توان گفت «استرداد مجرمان» می‌تواند تحت اطلاق قاعده «هم‌زیستی مسالمت‌آمیز» قرار گیرد. این قاعده از اصطلاحات سیاسی و حقوقی است که می‌تواند مبنای فقهی نیز داشته باشد بر همین اساسی است که در برخی از متون فقهی در مورد این قاعده این‌طور وارد شده است: «الدولة الاسلامیه هی الدولة الصالحة المبنیة علی قواعد انسانیة و لیست فیها العیب، نعم فیها المعایشة السلیمة مع الآخرین فی الحدود المقررة شرعاً» (شیرازی، بی تا، ج ۱۲، ص ۲۰) براین اساس در دولت اسلامی، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز یا تعایش سلمی بر اساس ضوابط شرعی وجود دارد. شاید بتوان مستند شرعی آیه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را آیه شریفه «اوفوا بالعقود» دانست. حال باید دید بین آیه نفی سبیل یا قاعده وفای به عقود چه رابطه‌ای حاکم است؟ مرحوم شیخ انصاری در این خصوص می‌نویسد: «و اما الآیة فباب الخدشة فیها واسع ... من حیث تعارض عموم الآیة مع عموم ما دل ... وجوب الوفاء بالعقود؛ آیه نفی سبیل باب اشکال و خدشه در تمسک به اصل در آن، واسع است ... از جهت اینکه عموم آیه با عموم ادله وجوب وفای به عقود تعارض دارد. (انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۵۸۴ و ۵۸۵) در واقع از نظر مرحوم شیخ انصاری استدلال به آیه دارای مشکلات فراوانی است. از جمله اینکه این آیه با سایر ادله مانند «اوفوا بالعقود» تعارض می‌نماید؛ از نظر ایشان رابطه آیه نفی سبیل با «اوفوا بالعقود» رابطه عموم و خصوص من وجه است. آیه نفی سبیل عام است و تمام موارد سلطه کافر بر مسلمان، از جمله قرارداد استرداد را شامل می‌شود و ممنوع می‌داند. از طرف دیگر آیه «اوفوا بالعقود» هم دارای عموم است

و تمام عقود و قراردادهای لازم‌الاتباع می‌داند. پس قرارداد استرداد هم لازم‌الاجرا است. حال تعارض میان عموم دو ادله پیش می‌آید و دیگر در ماده اجتماع که قرارداد استرداد مجرمان است قاعده نفی سبیل دیگر حجیت ندارد.

نظر دیگر این است که ادله قاعده «نفی سبیل» بر ادله «اوفوا بالعقود» مقدم است. مشهور فقها هم این تلقی را دارند و در نظر ایشان این است که دلیل قاعده نفی سبیل دلیل اوفوا بالعقود را تفسیر می‌کند و موجب تضییق دلیل اوفوا بالعقود می‌شود. به عبارت دیگر عرف عام بین «اوفوا بالعقود» و میان «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» تعارضی نمی‌کند، بلکه دلیل اول را با آیه نفی سبیل تفسیر کرده و آن را تضییق می‌نماید. (علیدوست، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹ و ۲۵۰) بر اساس تفسیر اینان از فهم عرفی، خداوند عقود را لازم الوفاء می‌داند که باعث سلطه کفار نشود.

به نظر می‌رسد در مورد استرداد مورد از موارد تعارض مستقر بین دو ادله نباشد؛ بلکه از موارد تعارض غیرمستقر است که می‌توان قاعده عقلی «الجمع مهما امکن اولى من الطرح» را در مورد آن پیاده کرد؛ بنابراین آن دسته از قراردادهایی که مشمول عنوان حجیت و سلطه کفار بر مسلمانان نشود شامل قاعده نفی سبیل نبوده و قاعده اوفوا بالعقود بر آن حاکم خواهد بود.

۲-۳. چالش عدم هماهنگی اصول استرداد با اصل مبنایی حقوق بشر

با وجود اینکه هر دو نظام حقوق ایران و حقوق بین‌الملل بر رعایت حقوق بشر در فرایند استرداد تأکید دارند. در حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون ضد شکنجه (۱۹۸۴) و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (۱۹۵۰) تضمین‌های خاصی برای جلوگیری از شکنجه و رفتار غیرانسانی در فرایند استرداد فراهم می‌کنند. در حقوق ایران نیز اصول مشابهی در قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی وجود دارد که بر جلوگیری از نقض حقوق بشر تأکید دارند.

به‌طورکلی چالش عمده مقررات استرداد عدم توجه به حقوق بشر افراد مسترد شده است. زیرا حقوق بشر استانداردهایی دارد که کم‌وبیش در سطح ملی و بین‌المللی بیان شده است و باید رعایت شود؛ زیرا تبلور ارزش‌های انسانی همه بشریت است. مهم‌ترین این استانداردها حفظ کرامت و ارزش انسانی است.

ماده ۴ پروتکل شماره ۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در جهت حفظ همین کرامت انسانی، اخراج دسته جمعی خارجی‌ان را ممنوع اعلام کرده است.

در واقع از آنجاکه دولت‌ها برقراری نظم را لازمه استقرار حاکمیت می‌دانند، پس مبارزه با جرم و جنایت در درون مرزهای یک کشور، یک موضوع مهم و اساسی به شمار می‌آید و دولت‌ها برای دستیابی به این اهداف و اعمال مجازات نسبت به بزه‌کاران و بر اساس اصل سرزمینی بودن جرم، قوانین و مقرراتی را تدوین کرده به تصویب می‌رسانند. در بسیاری موارد

مجرمان پس از ارتکاب جرم و قبل از کشف آن، به راه‌های مختلف از کشوری که در آن جرم را مرتکب شده‌اند، فرار می‌کنند. هیئت حاکمه بر اساس اصل لزوم مجازات مجرم، باید بر اساس قوانین و مقررات حکومتی و با هدف صیانت جامعه در برابر جرم و پدیده‌های مجرمانه، این دسته از مجرمان را تحت تعقیب کیفری قرار دهد. در این مرحله از تعقیب کیفری، اعمال قوانین و مقررات استرداد مجرمان و رعایت تشریفات مربوطه به آنها ضرورت پیدا می‌کند تا متعاقب آن پس از تحویل مجرمان بر اساس احکام صادره از مراجع قضایی، مجازات مقرر درباره آنان اجرا شود. انجام این مهم منوط به وجود امکانات لازم برای تعقیب و دستگیری مجرمان در کشوری دیگر و نهایتاً تسلیم آنان به کشور استردادکننده است. ولی در این میان حقوق فرد مجرم نیز از اهمیت خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که تعقیب و مجازات فرد مجرم نباید حقوق وی را به مخاطره بیندازد؛ بنابراین، لازم است که تمهیدات لازم جهت صیانت از حقوق فرد فراری صورت گیرد. هنگامی که احتمال نقض حقوق فرد مسترد شده وجود دارد، به دلایل ماهیت خاصی که استرداد دارد، دولت‌ها روش‌های مختلفی را اجرا می‌نمایند. حقوق بشر اقتضا دارد که از روش‌های پرهیز استفاده شود. منظور از «روش‌های پرهیز» روش‌هایی است که دولت‌ها به منظور جلوگیری از نقض حقوق فرد متهم یا مجرم در جریان استرداد استفاده می‌شود. (زمانی، باقری، ۱۳۹۴، ص ۱۳۹)

البته حقوق بشر افراد مسترد شده به طور رسمی و کامل در معاهدات بین‌المللی نیامده است، در واقع بخشی که شاید بتوان آن را بر اساس حقوق بشر توجیه کرد مقررات مربوط به شرایط امتناع و انتقال است که البته با توجه به اینکه معاهدات و موافقت‌نامه‌های استرداد مجرمان مقررات یکسانی در خصوص شرایط امتناع از استرداد و انتقال ندارند، بنابراین به نظر نمی‌رسد که بتوان فرض کرد که مقررات خاصی در مورد امتناع از استرداد و انتقال برای حفاظت از حقوق بشر وضع شده است. به استناد قاعده منع استرداد مجرمان سیاسی (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۸۱) موضوع انتقال در صورتی که مجرم درخواستی یک مجرم سیاسی باشد، عمدتاً برای حفاظت از تمامیت سیستم عدالت کشور درخواست شده و همچنین برای جلوگیری از مداخله در امور سیاسی داخلی یک کشور است، نه حفاظت از حقوق افرادی است که به عنوان متواریان بین‌المللی شناخته شده‌اند. (غفاریون اصفهانی، ۱۴۰۱، ص ۱۶۸)

در برخی مقررات به طور استثنایی مقرراتی در مورد لزوم رعایت حقوق افراد مسترد شده وجود دارد، برای مثال بند د ماده ۵ سازمان ملل متحد، قانون تفسیر ۱۹۹۰ درباره قرارنگرفتن در معرض شکنجه، رفتار یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز است. راه حل این چالش به کارگیری مفاهیم انصاف و عدالت در استرداد مجرمین است. اصل انصاف یا اصل عدالت در فرایند استرداد مجرمین به ویژه در خصوص حقوق بشر و شرایط

محاكمه در کشور درخواست‌کننده بسیار اهمیت دارد. کشورهایی که درخواست استرداد دارند، باید تضمین کنند که مجرم تحویل‌شده به محاکمه‌ای عادلانه دست خواهد یافت و از مجازات‌های غیرانسانی یا شکنجه در امان خواهد بود. این اصل در بسیاری از معاهدات استرداد، به‌ویژه در زمینه استرداد مجرمان سیاسی و جرایم غیرسیاسی، به‌طور جدی مدنظر قرار می‌گیرد.

همچنین بازنگری در قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ با هدف روزآمدسازی و انطباق با تحولات حقوق بشر بین‌المللی ضروری است. اصولی چون منع استرداد در صورت احتمال شکنجه یا محاکمه غیرمنصفانه باید به‌صراحت در قانون گنجانده شوند.

چالش مهم دیگر در خصوص مجازات اعدام و مخالفت آن با حقوق بشر است. ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی استرداد مجرمین مقرر می‌دارد چنانچه در قوانین کشور تقاضا کننده برای جرم موضوع استرداد، مجازات اعدام پیش‌بینی شده باشد و در مقابل، در قوانین کشور متقاضی عهده مجازات چنین عملی اعدام نباشد، استرداد ممکن نخواهد بود مگر اینکه کشور تقاضا کننده تضمینی دایر بر عدم اجرای مجازات اعدام بدهد.» با توجه به این ماده، استرداد مرتکبین جرایم مستوجب اعدام، بدون دادن تضمین کافی دیپلماتیک مبنی بر عدم انجام مجازات اعدام، ممکن پذیر نمی‌باشد؛ زیرا ندادن تضمین دیپلماتیک را نقض آشکار کنوانسیون اروپایی حقوق بشر تلقی می‌نمایند که صدور رای مبتنی بر نقض تقاضای استرداد از سوی دادگاه اروپایی حقوق بشر را در پی خواهد داشت.

برای همین در پرونده‌ای در خصوص استرداد متهم از کانادا به آمریکا کمیته حقوق بشر کانادا مقرر کرد که کشورهایی که اعدام را لغو کرده‌اند، باید خطر واقعی اجرای حکم اعدام را به کشور استردادکننده اطلاع دهند. زیرا باوجوداینکه کانادا مجازات اعدام را لغو کرده است؛ ولی چون دارد متهم را به دولت آمریکا که دولت متعاهد استرداد با کانادا است، تسلیم می‌نماید و دولت آمریکا او را متهم به مرگ کرده است اگر کانادا بدون تضمین عدم مجازات اعدام، او را به آمریکا مسترد دارد، در واقع حق حیات او را بر اساس قانون سلب کرده است (Judge v Canda para, 10. p6)

در خصوص تضمین دادگاه‌های کانادا معتقدند باید بین اخذ تضمین در میان شکنجه و مجازات اعدام باید تفکیک قائل شد. در دعوای سورس علیه کانادا، به‌روشنی مشخص کرد که مشکل دولت کانادا در تکیه بیش از حد بر تضمین است و دولت‌هایی که به‌طور معمول، اقدام به انجام شکنجه می‌نمایند یا به دیگران اجازه انجام شکنجه در حاکمیت خود را داده باشند، این انجام شکنجه کماکان ادامه خواهد یافت. در واقع مشکل شکنجه نه فقط با تبانی، بلکه با ناتوانی دولت در کنترل رفتار مقامات خود، وارد مرحله حاد می‌شود؛ بنابراین نیاز به تمایز بین تضمین در خصوص مجازات اعدام و تضمین در خصوص شکنجه نیست. نظارت

بر عدم مجازات اعدام آسان‌تر و قابل‌اعتمادتر از دومی است. (Sureshv. Canada (n32) (para124))

منطق این کار این است که محاکم داخلی خواهان ارزیابی خود از کیفیت تضمین هستند که متهم در معرض شکنجه قرار نخواهد گرفت. دادگاهی در آلمان با این استدلال که تضمین‌های دیپلماتیک موجبات کاهش نگرانی آلمان را فراهم نمی‌آورد از تسلیم آقای کاپلان، رهبر یک گروه بنیادگرای اسلامی، به ترکیه امتناع کرد: «چنین تضمین‌های رسمی در استرداد تنها زمانی قادر به حفاظت کافی از فرد تحت تعقیب است که دولت استردادکننده آن را از طریق نهادهای رسمی از مجاری صحیح خود اعطا نماید. در این مورد قوه قضاییه ترکیه مستقل و قابل‌اعتماد نیست.» (Kaplan, 4Aus (a) 308/02-147-203-204. 03111, (27May2003 ; 7

همچنین نهادها و دیوان بین‌الملل حقوق بشر تأیید کرده‌اند که اگر دولت درخواست شونده تصمیم به تسلیم فرد متهم بگیرد، قابلیت دسترسی به جبران‌های محلی در برابر نقض حقوق متهم، توسط دولت استردادکننده ممکن است موجب سلب مسئولیت دولت درخواست شونده شود. به‌این‌ترتیب، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، تسلیم فرد به دولت ایالات متحده آمریکا - که در آن فرد متهم با امکان صدور حکم حبس ابد روبرو است - را عملی غیرانسانی یا اهانت‌آمیز بر اساس ماده ۷ میثاق محسوب نمی‌کند چنانچه شخص بتواند درخواست تجدیدنظر در حکم را بدهد: تسلیم فرد به دولت عضوی که حکم حبس ابد بدون امکان آزادی را در نظر می‌گیرد، در واقع ناقض مواد ۷ و ۱۰ میثاق است کمیته بیان کرد که: «... که حکم هنوز نهایی نشده، به‌طوری‌که انتظار می‌رود روند رسیدگی امکان فرجام علیه حکم بدوی را در پی داشته باشد. از آنجا که محکومیت و مجازات هنوز نهایی نشده است، زود است که کمیته بر اساس حقایق فرضی تصمیم می‌گیرد که آیا چنین وضعیتی منجر به مسئولیت دولت عضو بر اساس کنوانسیون می‌شود یا نه. (SholamWeiss v. Austria, (8May2003, UNDocCCPR/C/77/D/ 1086/2002, para9. 4

بر همین اساس است مجازات‌های بدنی از نظر حقوق بشر غیرانسانی شناخته می‌شود و مباحث حقوق بشر مانع استرداد مجرمین در مورد مرتکبین جرایم مستوجب مجازات‌های اعدام، قصاص و شلاق است. (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۹)

۳-۳. چالش مخالفت قوانین موضوعه ایران با اسناد بین‌المللی

در حقوق ایران نیز با وجود تصویب قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ و همچنین پذیرش اصولی نهاد استرداد در اسناد دوجانبه، چالش‌هایی همچون عدم شفافیت در تعریف جرایم سیاسی، عدم کفایت ضمانت اجرای حقوق بشری، و محدودیت در معاهدات استرداد، زمینه‌ساز ابهامات جدی شده است. همچنین اصل عدم استرداد اتباع ایرانی (ماده ۶ قانون

مجازات اسلامی) نیز در تعارض با تعهدات بین‌المللی قرار گرفته و بحث‌های حقوقی فراوانی را موجب شده است (حسینی‌نژاد و یزدی، ۱۳۹۹، ص ۹۲).

۳-۴. چالش تقدم اصل استرداد یا اصل اختصاص

استرداد ساده شده یا تسلیم داوطلبانه هنگامی تحقق پیدا می‌کند که بر اساس ارسال درخواست رسمی از طرف دولت درخواست‌کننده، شخص مورد درخواست به استرداد رضایت خود را اعلام می‌نماید و با اعلام موافقت خود و نبودن هیچ گونه اعتراض، زمینه را برای تسریع روند رسیدگی فراهم می‌کند و ممکن است با انجام این نوع همکاری از سوی شخص مورد درخواست، به طور متقابل دولت تعقیب‌کننده زمینه‌های تخفیف مجازات را برای او فراهم می‌نماید. اگر فرد موردنظر از حق دفاع خود چشم‌پوشی نماید و اعلام نماید که خود را تسلیم دولت درخواست‌کننده می‌نماید، تشریفات قضایی حذف خواهد شد. (عباسی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۴) نکته چالش برانگیز در این خصوص در مورد رابطه اصل اختصاص در استرداد با رضایت شخص به روند استرداد است که تقدم آیا با اصل استرداد است یا اصل اختصاص؟

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که باید به هدف اختصاص، توجه کرد، هدف از اختصاص، حفظ منافع شخص استرداد شده است؛ بنابراین اولویت را به رضایت فرد مسترد شده می‌دهند. در مقابل حقوق‌دانانی که معتقد به مصالح عمومی و مصالح دولت‌ها هستند معتقدند، قاعده اختصاص تقدم دارد و شخص مسترد شده نمی‌تواند نقض تعهدات اسناد استرداد را و از جمله اصل اختصاص بنماید. برخی دیگر از حقوق‌دانان به تلفیق هر دو نظریه اعتقاد دارند. (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۸) در تأیید این نظر گفته شده است که استرداد یک عمل قضایی نیست تا به صرف اراده و موافقت شخص مورد تقاضا، دولت هم با آن موافقت نماید، بلکه یک عمل حاکمیتی است و از این نظر باید دقت شود تا در مورد جرایم سیاسی و جرایمی که استرداد مجرمان آن مخالف یکی از اصول حقوق بین‌الملل است، از استرداد خودداری شود؛ هر چند متهم رضایت داده باشد. (فاطمی شریعت‌پناهی، ۱۳۵۲، ص ۱۵۴)

ماده ۱۹ قانون استرداد مجرمان اصل را بر رضایت شخص مسترد شده قرار می‌دهد. بر اساس این ماده: «هرگاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نمود و رضایت دهد که به دولت تقاضا‌کننده تسلیم شود، مراتب در پرونده امر قید و وزارت دادگستری نسبت به استرداد اقدام مقتضی به عمل خواهد آورد.» ماده ۹ کنوانسیون تسهیل تشریفات استرداد مجرمان میان دولت‌های عضو اتحادیه اروپا (۱۹۹۵ میلادی) برخلاف سکوت اغلب قوانین و معاهدات رضایت شخص مورد استرداد را به عنوان اصل قرار می‌دهد و رضایت او را به چشم‌پوشی از اصل اختصاص را مبنای استرداد قرار می‌دهد. (The European Union Convention on simplified extradition procedure.)

(1995, Art. 9)

نکته حائز اهمیت این است که استرداد در برخی موارد اجباری و در مواردی اختیاری است. اگر بین دولت متقاضی و دولت متقاضی‌عنه، قرارداد استرداد مجرمین وجود داشته باشد، استرداد نسبت به جرایم پیش‌بینی شده در آن اجباری است، در غیر این صورت، استرداد اختیاری خواهد بود. استرداد اختیاری در هر کشوری بستگی به حقوق داخلی آن کشور دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که قرارداد استرداد مجرمین به قوانین داخلی تفوق و برتری دارد و چنانچه قوانین داخلی استرداد اختیاری را جایز بدانند، در این صورت، چنین استردادی، با مدنظر قراردادن روابط متقابل انجام می‌پذیرد. مطابق قوانین داخلی ترکیه، استرداد اختیاری به وجود روابط متقابل بستگی دارد. (فرخزاد، ۱۳۹۹، ص ۳۵۸) همین امر هم چالش دیگری است که روابط سیاسی بر اصل اختصاص سایه می‌افکند و امر استرداد را از موضوعی حقوقی به موضوعی سیاسی تبدیل می‌نماید.

۳-۵. چالش استفاده از اینترپل در زمینه استرداد مجرمان

در خصوص مجرمینی که به کشورهای دیگر فرار می‌نمایند موسسه پلیس بین‌المللی (اینترپل) همکاری دارد. مقر اصلی این نهاد در پاریس است و اینترپل به‌عنوان سازمان بین‌المللی پلیس جنایی، نقشی حیاتی در تسهیل استرداد مجرمین در سطح جهانی دارد. این سازمان به‌طور عمده از طریق ایجاد شبکه‌های ارتباطی و مبادله اطلاعات بین کشورها، زمینه‌های همکاری بین‌المللی در زمینه استرداد مجرمین را تسهیل می‌کند. مقررات اینترپل در زمینه استرداد، به کشورهای عضو کمک می‌کند تا اطلاعات دقیق و به‌روز درباره مجرمان فراری را به اشتراک بگذارند و در مواردی که استرداد مجرمین به‌طور قانونی نیاز است، تسهیل کنند. (INTERPOL. (2022). Extradition and International Police Cooperation. International Criminal Police Organization)

دولت جمهوری اسلامی از اعضای اینترپل محسوب می‌شود و در دستگیری، اعاده، تحویل مجرمین همواره با این نهاد همکاری داشته و از نظر ارتباط سریع و دقیقی که با همکاران خود در سایر کشورها دارد در خصوص فرار مجرمین می‌تواند مؤثر واقع شود و مانع از فرار آنها به کشورهای دوردست شود.

یکی از چالش‌های عمده در نظام حقوق ایران، عدم اجرای مفاد برخی معاهدات بین‌المللی است در حالی که ایران عضو برخی از کنوانسیون‌های بین‌المللی است، عدم رعایت برخی از مفاد این معاهدات می‌تواند فرایند استرداد را پیچیده‌تر کند. برای مثال، عدم همکاری به‌طور کامل با سازمان‌های بین‌المللی نظیر اینترپل، باعث شده است که بسیاری از پرونده‌های استرداد به‌کندی پیش بروند.

در واقع به نظر می‌رسد امروزه استرداد مجرمین به یک عامل سیاسی تبدیل شده است و

استرداد مجرمین بین کشورها به روابط سیاسی بین دولت‌ها ارتباط پیدا کرده است و وقتی دو کشور روابط سیاسی و دیپلماتیک خوبی با همدیگر دارند همکاری آنها در زمینه استرداد مجرمین خوب خواهد بود. حال اگر روابطی بین دو کشور وجود نداشته باشد یا این روابط دوستانه نباشد در این صورت استرداد مجرمین به خوبی پیش نخواهد رفت. (نیک‌انجام، ۱۳۸۹، ص ۸۶ تا ۹۰)

راهکار این چالش نیز فقدان یک نهاد مستقل و تخصصی برای پیگیری امور استرداد در ایران، موجب تداخل وظایف بین نهادهای امنیتی، قضایی و اجرایی شده است. تأسیس نهادی مستقل با اختیارات قانونی روشن، می‌تواند انسجام نهادی و پاسخ‌گویی را در این حوزه افزایش دهد.

۳-۶. کمبود همکاری قضایی بین المللی

یکی دیگر از مشکلات اصلی، کمبود همکاری‌های قضائی بین‌المللی است که مانع از تسهیل فرایند استرداد می‌شود. بسیاری از کشورها به‌ویژه در زمینه استرداد مجرمان اقتصادی، فساد و جرایم سازمان‌یافته، همکاری‌های لازم را با ایران ندارند. در حالی که حقوق بین‌الملل به‌طور خاص بر اهمیت ایجاد همکاری‌های قضائی تأکید دارد، ایران باید در این زمینه تلاش‌های بیشتری برای ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی انجام دهد.

راهکار این چالش گسترش همکاری‌های بین‌المللی از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه استرداد با کشورهای فاقد توافق با ایران، به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس، آسیای مرکزی، و کشورهای عضو اینترپل، امری حیاتی است. استفاده از دیپلماسی حقوقی فعال می‌تواند موانع سیاسی را کاهش داده و مسیر همکاری‌های حقوقی را هموار کند.

همچنین تقویت نقش قوه قضائیه در بررسی تقاضاهای استرداد با تأکید بر رعایت اصول دادرسی عادلانه و منع استرداد در صورت وجود خطر شکنجه، ضروری است. الگوی دیوان اروپایی حقوق بشر می‌تواند به‌عنوان معیار حقوق بشری در این زمینه مدنظر قرار گیرد. (ECtHR, 2023) آموزش‌های منسجم برای قضات، کارشناسان حقوقی و مقامات انتظامی در زمینه رویه‌های استرداد، حقوق بین‌الملل کیفری و ملاحظات حقوق بشری، می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری‌ها و اجرای مؤثر درخواست‌های استرداد کمک کند.

نتیجه‌گیری

با تدقیق در مباحث مطروحه می‌توان دریافت که نظام حقوقی ایران در حوزه استرداد مجرمین، برای انطباق مؤثر با موازین حقوق بین‌الملل، نیازمند اصلاحات حقوقی، نهادی و دیپلماتیک در چند سطح است:

۱- بازنگری دقیق و هدفمند قانون استرداد مجرمین سال ۱۳۳۹ با توجه به شرایط زمانی و مکانی و با توجه به اینکه مشخص شد از لحاظ فقهی مشکل در مورد استرداد در فقه امامیه

وجود ندارد.

۲- انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه بیشتر با کشورهای کلیدی به جای اینکه برای هر کشور مقررات پراکنده تصویب شود.

۳- برای انسجام بخشی به روندهای استرداد و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌هایی چون قوه قضائیه، وزارت امور خارجه و پلیس بین‌الملل، تأسیس یک نهاد تخصصی پیشنهاد می‌شود. الگوهایمانند یوروژاست (Eurojust) در اتحادیه اروپا می‌توانند به عنوان مدل موفق مورد استفاده قرار گیرند. این مرکز می‌تواند وظایفی چون پاسخ به درخواست‌های استرداد، آموزش تخصصی نیروها، و پیگیری تعامل با نهادهایی نظیر اینترپل را به عهده گیرد.

۴- همان‌گونه که در بخش تطبیقی مقاله آمده، یکی از نکات ضعف در نظام ایران، نبود سازوکار مؤثر نظارتی در بررسی درخواست‌های استرداد است. پیشنهاد می‌شود دادگاه‌های صالح در ایران موظف به بررسی ملاحظات حقوق بشری، امکان صدور مجازات‌های غیرانسانی در کشور درخواست‌دهنده، و خطرات سیاسی احتمالی برای متهم شوند.

۵- آموزش‌های ضمن خدمت برای قضات، دادستان‌ها و افسران پلیس در زمینه اصول حقوق بین‌الملل استرداد، رویه‌های دیپلماتیک، و ملاحظات حقوق بشری ضروری است. این اقدام، ضمن ارتقاء کیفیت تصمیم‌گیری، مانع از بروز تعارض با تعهدات بین‌المللی ایران خواهد شد.

منابع

۱. احمدی نژاد، مریم (۱۳۹۳) موانع استرداد و اخراج مجرمین در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱ صص ۱ تا ۳۲.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲) معاضدت قضایی و استرداد مجرمین با تاکید بر جرایم مواد مخدر، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳. امیرعلایی، شمس الدین (۱۳۱۵) حقوق تطبیقی: استرداد مجرمین در حقوق جزایی فرانسه، مجله مجموعه حقوقی، شماره ۲۹.
۴. انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵) کتاب المکاسب، چاپ اول، قم: نشر کنگره.
۵. اصغری آق مشهدی، فخرالدین و کاظمی افشار، هاجر (۱۳۸۸) نحوه ارتباط انسان با اعضای بدن خود از دیدگاه فقه و حقوق، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱.
۶. افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۷۶)، حقوق جزای عمومی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات فردوسی.
۷. جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۳) مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌های سال ۱۳۹۰ (برگرفته از مشروح مذاکرات شورای نگهبان، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان).
۸. جمعی از نویسندگان (۱۴۲۱) مأخذ شناسی قواعد فقهی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۹. حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۱۳) الفقه، القواعد الفقهیه، بیروت: موسسه امام رضا (ع).
۱۰. خالقی، علی (۱۳۸۴)، قرار جلب اروپایی و تاثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا، مجله پژوهش‌های حقوقی ج ۴، ش ۷، صص ۲۸-۱۳.
۱۱. خرازی، محسن (۱۴۲۰) تغییر الجنسیه، الفقه اهل البیت شماره ۱۳.
۱۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه نور، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱) کتاب البیع، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۸) کتاب البیع، تقریرات: سید حسن طاهری خرم آبادی، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۵. زمانی، سید قاسم، باقری، فرشته (۱۳۹۴) راهکارهای حل تعارض میان تعهدات ناشی از استرداد و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم شناسی، شماره ۵.
۱۶. شیرازی، سید محمد (بی تا) الاسئله و الاجوبه، اثنا عشر رساله، چاپ اول، بی جا، بی نا.
۱۷. صادقی، محمدهادی؛ فروغی، فضل‌الله؛ جودکی، بهزاد (۱۳۹۸) قاعده منع استرداد

- مجرمان سیاسی در پرتو اجرای قانون جرم سیاسی، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره یازدهم، شماره چهارم، صفحات ۲۵۷ تا ۲۹۱.
۱۸. طباطبایی بروجردی، آقا حسین، (۱۴۱۳) تقریرات ثلاثه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. عباسی، محمود (۱۳۷۰) استرداد مجرمین، تهران: نشر گنج دانش.
۲۰. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۳) قاعده نفی سبیل، مجله مقالات و بررسی‌ها؛ شماره ۷۶، ص ۲۳۱ تا ۲۵۴.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴) فقه سیاسی، حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. عوده، عبدالقادر (بی‌تا) التشریع الجنایی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، بیروت: دارالکاتب العربی.
۲۳. غفاریون اصفهانی، محمدرضا (۱۴۰۱) همکاری قضایی در عرصه بین‌الملل در مواجهه با انتقال محکومان، فصلنامه قانون یار، شماره ۲۳، صفحات ۱۶۰ تا ۱۸۰.
۲۴. فاتحی زاده، حسین (۱۳۹۴) نظرات استدلالی شورای نگهبان لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، شماره مسلسل: ۱۳۹۴۰۰۳۴، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶) القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم: چاپخانه مهر.
۲۶. فاطمی شریعت‌پناهی، سید کاظم (۱۳۵۲) استرداد مجرمین، چاپ دوم، قم: انتشارات مدرسه عالی امور قضایی و اداری.
۲۷. فرخزاد، اردشیر (۱۳۹۹) استرداد مجرمین در روابط ایران و ترکیه، (چالش‌ها و راهکارها) مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۳.
۲۸. کلینی، (۱۴۰۷) الکافی، چاپ چهارم، بیروت: دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. قندهاری، (محسنی) محمد آصف (۱۴۲۴) الفقه و مسائل طبیه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۰. محمدی کرجی، رضا (۱۳۹۵) آیه «نفی سبیل» و استرداد مجرم مسلمان به کشور غیر مسلمان، قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم شماره ۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵.
۳۱. مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷) العناوین الفقهیه، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵) انوار الفقاهه-کتاب النکاح، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
۳۳. مکارم شیرازی (۱۴۱۱) القواعد الفقهیه، چاپ سوم قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).

۳۴. ملک اسماعیلی، عزیزالله (۱۳۵۵) حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳۵. منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹) دراسات فی ولایت الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، قم: انتشارات تفکر.

۳۶. مؤمن قمی، محمد (۱۴۱۵) کلمات سدید، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۷. مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۲) پیوند اعضا، فقه اهل بیت (علیهم السلام)، شماره ۳۴.

۳۸. میرزایی، محمد و فروغی، فضل‌الله؛ (۱۳۹۴) معاضدت‌های حقوقی و پلیسی در مقابل جرائم فراملی با تاکید بر نقش اینترپل، فصلنامه علمی کارآگاه شماره ۳۰.

۳۹. نیک‌انجام، شهناز (۱۳۶۶)، استرداد مجرمین، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۲۳.

40. Bassiouni, M. C. (2021) , *International extradition: United States law and practice*, Sixth Edition, New York: Oxford University Press.

41. European Court of Human Rights. (2023) . *Guide on the case-law of the Court: Extradition and Expulsion*.

42. Gil-Bazo, M. T. (2021) . *The Right to Extradition and its Limitations: A Contemporary View from the European Union*. Journal of International Law and Politics, 53(3) , 445-460. United Nations. (2020) . UNODC Extradition Model Treaty (2nd ed) . United Nations Office on Drugs and Crime.

43. Office for Democratic Institutions and Human Rights(ODIHR) ,*Background Paper on Extradition and Human Rights in the Context of Counte- terrorism*, ODIHR GAL22/0720 March 2007, 7

References:

1. Ahmadi-Nejad, Maryam. (2014). Obstacles to Extradition and Expulsion of Criminals in the Case Law of the European Court of Human Rights. *Criminal Law Research Quarterly*, 1, 1-32. (in Persian).
2. Ardebili, Mohammad Ali. (2003). *Judicial Assistance and Extradition of Criminals with Emphasis on Drug Crimes* (1st ed.). Tehran: Mizan Publishing. (in Persian).
3. Amir-Alaei, Shams al-Din. (1936). Comparative Law: Extradition of Criminals in French Criminal Law. *Legal Collection Magazine*, 29. (in Persian).
4. Ansari, Sheikh Morteza. (1994). *Kitāb al-Makāsib* (1st ed.). Qom: Congress Publications. (in Arabic).
5. Asghari Agh-Mashhadi, Fakhreddin, & Kazemi Afshar, Hajar. (2009). The Manner of Human Relationship with Body Parts from the Perspective of Jurisprudence and Law. *Islamic Jurisprudence and Law Studies*, 1. (in Persian).
6. Afrasiabi, Mohammad Esmail. (1997). *General Criminal Law of Iran* (2nd ed.). Tehran: Ferdowsi Publications. (in Persian).
7. Group of Researchers. (2014). Foundations of the Guardian Council's Opinions regarding Enactments and Interpretations of 2011 (Excerpt from the Detailed Negotiations of the Guardian Council). Tehran: Guardian Council Research Institute. (in Persian).
8. Group of Authors. (2000). *Bibliography of Jurisprudential Rules*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Persian).
9. Hosseini Shirazi, Sayyid Muhammad. (1992). *Al-Fiqh, Al-Qawā'id al-Fiqhīyah*. Beirut: Imam Reza (AS) Institute. (in Arabic).
10. Khaleghi, Ali. (2005). European Arrest Warrant and Its Impact on Extradition Law in the European Union. *Legal Research Journal*, 4(7), 13-28. (in Persian).
11. Kharazi, Mohsen. (1999). *Taghyīr al-Jinsīyah (Sex Change)*. *Fiqh Ahl al-Bayt*, 13. (in Arabic).
12. Khomeini, Seyed Ruhollah. (2010). *Ṣaḥīfeh-ye Nūr*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Persian).
13. Khomeini, Seyed Ruhollah. (2000). *Kitāb al-Bay'*. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Arabic).
14. Khomeini, Seyed Ruhollah. (1997). *Kitāb al-Bay'* (Transcriptions: Seyed Hassan Taheri Khorramabadi). Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (in Arabic).
15. Zamani, Seyed Ghasem, & Bagheri, Fereshteh. (2015). Solutions for Resolving Conflict between Extradition Obligations and Human Rights Obligations of States. *Criminal Law and Criminology Research*, 5. (in Persian).
16. Shirazi, Seyed Mohammad. (n.d.). *Al-As'ilah wa-al-Ajwibah, Ithnā*

- ‘Ashar Risālah (1st ed.). No Place: No Publisher. (in Arabic).
17. Sadeghi, Mohammad Hadi, Foroughi, Fazlollah, & Joudaki, Behzad. (2019). The Rule of Prohibition of Extradition of Political Criminals in Light of the Implementation of the Political Crime Law. *Legal Studies Quarterly*, 11(4), 257-291. (in Persian).
18. Tabatabai Borujerdi, Agha Hossein. (1992). *Taqrīrāt Thalāthah*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic).
19. Abbasi, Mahmoud. (1991). *Extradition of Criminals*. Tehran: Ganj-e Danesh Publishing. (in Persian).
20. Alidoust, Abolghasem. (2004). The Rule of No Way (Nafy-i Sabīl). *Articles and Reviews Journal*, 76, 231-254. (in Persian).
21. Amid Zanjani, Abbasali. (2005). *Political Jurisprudence, Law of International Obligations and Diplomacy in Islam*. Tehran: Samt Publications. (in Persian).
22. Oudah, Abdul Qader. (n.d.). *Al-Tashrī‘ al-Jinā‘ī al-Islāmī Muqāranan bi-al-Qānūn al-Waḍ‘ī*. Beirut: Dār al-Kātib al-‘Arabī. (in Arabic).
23. Ghaffarion Isfahani, Mohammad Reza. (2022). Judicial Cooperation in the International Arena Regarding the Transfer of Convicts. *Ghanoon Yar Quarterly*, 23, 160-180. (in Persian).
24. Fatehi Zadeh, Hossein. (2015). Reasoned Opinions of the Guardian Council on the Extradition Treaty Bill between the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China (Serial No. 13940034). Tehran: Guardian Council Research Institute. (in Persian).
25. Fazel Lankarani, Mohammad. (1995). *Al-Qawā‘id al-Fiqhīyah* (1st ed.). Qom: Mehr Printing House. (in Arabic).
26. Fatemi Shariat-Panahi, Seyed Kazem. (1973). *Extradition of Criminals* (2nd ed.). Qom: Publications of the Higher School of Judicial and Administrative Affairs. (in Persian).
27. Farrokhzad, Ardeshtir. (2020). Extradition of Criminals in Iran-Turkey Relations (Challenges and Solutions). *Legal Research Journal*, 43. (in Persian).
28. Kulayni. (1987). *Al-Kāfi* (4th ed.). Beirut: Dār al-Kutub al-Islāmīyah. (in Arabic).
29. Ghandhari (Mohseni), Mohammad Asef. (2003). *Al-Fiqh wa-Masā’il Ṭib-bīyah*. Qom: Islamic Propagation Office. (in Arabic).
30. Mohammadi Karaji, Reza. (2016). The Verse of "Nafy-i Sabīl" (No Way) and the Extradition of a Muslim Criminal to a Non-Muslim Country. *Quran, Jurisprudence and Islamic Law*, 2(4), Spring and Summer 2016. (in Persian).
31. Maraghi, Mir Abd al-Fattah. (1996). *Al-‘Anāwīn al-Fiqhīyah* (1st ed.). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Seminary Teachers of Qom. (in Arabic).

32. Makarem Shirazi, Naser. (2004). *Anwār al-Fiqāhah - Kitāb al-Nikāḥ*. Qom: Madrassah al-Imam Ali ibn Abi Talib (AS). (in Arabic).
33. Makarem Shirazi. (1990). *Al-Qawā'id al-Fiqhīyah* (3rd ed.). Qom: Madrassah al-Imam Ali ibn Abi Talib (AS). (in Arabic).
34. Malek Esmaeili, Azizollah. (1976). *General Criminal Law* (1st ed.). Tehran: Tehran University Press. (in Persian).
35. Montazeri, Hossein Ali. (1988). *Dirāsāt fī Wilāyat al-Faqīh wa-Fiqh al-Dawlah al-Islāmīyah*. Qom: Tafakkur Publications. (in Arabic).
36. Momen Qomi, Mohammad. (1994). *Kalimāt Sadīdah*. Qom: Islamic Publications Office. (in Arabic).
37. Momen Qomi, Mohammad. (2003). *Organ Transplantation*. Fiqh Ahl al-Bayt (AS), 34. (in Persian).
38. Mirzaei, Mohammad, & Foroughi, Fazlollah. (2015). Legal and Police Assistance against Transnational Crimes with Emphasis on the Role of Interpol. *Detective Scientific Quarterly*, 30. (in Persian).
39. Nik-Anjam, Shahnaz. (1987). *Extradition of Criminals*. *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 23. (in Persian).
40. Bassiouni, M. C. (2021). *International Extradition: United States Law and Practice* (6th ed.). New York: Oxford University Press.
41. European Court of Human Rights. (2023). *Guide on the Case-law of the Court: Extradition and Expulsion*.
42. Gil-Bazo, M. T. (2021). The Right to Extradition and its Limitations: A Contemporary View from the European Union. *Journal of International Law and Politics*, 53(3), 445-460.
- United Nations. (2020). *UNODC Extradition Model Treaty* (2nd ed.). United Nations Office on Drugs and Crime.
43. Office for Democratic Institutions and Human Rights (ODIHR). (2007). *Background Paper on Extradition and Human Rights in the Context of Counter-terrorism*. ODIHR.GAL/22/07, 20 March 2007, 7.